



# روزنامه سیاستی کشور شاہنشاهی ایران

شامل ، متن قوانین - تصویب‌نامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی سؤالات - اخبار درسی - فرمانیں - انتصارات آئین نامه‌ها - پخش نامه‌ها - آگهی‌های درسی

شماره تلفن: ۰۶۱۸-۸۸۹۶ - ۸۸۹۷ - ۸۸۹۸

شنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۲۶

ڈیگر: سید محمد حاشمی

سال سوم - شماره ۷۹۸۵

۲۴۷۰

دوره پانزدهم قانونگذاری

١٥٣٠ مسلسل شمارة

روزنامہ یومیہ

فهرست مدلر جات

- ۱ - صورت مژده مذکورات سی امین جلسه دوره پانزدهم

۲ - اخبار مجلس

۳ - انتصابات

۴ - آگهی های رسمی

# دکتر مخلصی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۵ شنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۶ جلسه ۳۰

فهرست مطالب:

#### ١ - تصویب صورت مجلس .

۲- بیانات قبل از دستور آقایان تقی زاده و وزیر کشاورزی

۳ - طرح سه فقره اعتبارنامه و تصویب دو فره از آن

٤ - تعطيل جلسة بعنوان نفس.

## ۱ - تصویب صورت مجلس شش و چهل دیقه بعد از ظهر برایست آفای رضا حکمت تشکیل شد

صورت مجلس روز ۳ شنبه ۱۹ آبان‌ماه دا آفای فولادوند (منشی) قرائت کردند.

ساعت پنج و ده دقیقه بعد از ظهر روز ۳ شنبه ۱۹ آبان مجلس برپاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسه پیش فرائت و پس از توضیح آقای رضوی راجیم بثبات آقای صدرزاده تصویب گردید. اسامی غائبین جلسه گذشته، کامن صورت مجلس خوانده شده:

فائیین با اجازه - آقایان : مرآت اسفندیاری  
ناصر ذوالقاری - محمد تقی بهار

فایپین بی اجازه - آفاین : حسن اکبر - سلطان  
الملاءه - دخیلیان - گرگانی - دکتر هبد - صدر زاده

Abbas Mousavi . Nاصرالدین ناصری . علی و سکبی .  
 خوبیلر . ساعد .

دیر امد کان با اجازه اطایان؛ صیاه ابراهیمی.  
ابوالقاسم بهبهانی.



تائید آن مشاهده اسرافات چشم خیره کن آنها در طبقه فقیر و عمل آور نهادوز حمتکش تائید انقلابی و جنون انگیز است که در این باب فعلاً نمی‌خواهم شرحی بهم و تائید آن در طبقه مستخدم دولت ایجاد نادرستی است شما از فقرای مملکت توهم وطن دوستی دارید در صورتی که نه وطن و نه دین و نه تقوی باشکم گرسته تائید مطلوب نتواند داشت (صحیح است، احسنت) از طبقه مستخدمین تقوی و درستکاری انتظار دارید در صورتی که این طبقه که مرکب از تعصیل کرده‌های عالی یا متوجه بسطه یا ابتدائی هستند و بازدازه افراد طبقه حاکمه که بوسایل تجارت انصاری با تقرب و توصل بعراکز قدرت متحول شده‌اند سواد و تربیت دارند برای آنها مشکل است بتوانند با مشاهده وضع آین افزان و همگنان خود از طبقه حاکمه در جلو چشم خود باماهی پانصد، ششصد تومان ساخته خود و عیال و اولادشان باز هد و فقر و بحال غیر مرتفع زندگی کنند و می‌خورند حیران و آنها نظاره کنند (صحیح است) منشاء همه نادرستی در ادارات دولتی و نیمه دولتی که کاهی اسم ملی با آنها داده می‌شود بیشتر همین نکته است (صحیح است) و همین سبب شده که هرجوان نیمه تربیت شده در ادارات می‌دارد به بوسایل از وسایل ممکن سعی کنند زود متول شود و یا افلا ماهی چهار، پنج هزار تومان عایدی داشته در شمال شهر طهران خانه فرنگی مآبی مالک شده وزنش لباس تجملی بیوشد و مثل مردم زندگی نماید اگر می‌خواهد وطن دوستی و هفت و تقوی و درستکاری در ملت احداث کنید قدم‌اون یائین آوردن سطح زندگی طبقه بالا است و آنها که در این احوال و اوضاع دم از بالا بردن سطح زندگی طبقه پایین حرف می‌زنند افسانه‌ای برای خواب کردن بچه‌ها می‌کویند (صحیح است) طبقه حاکمه فعلی در ایران همان گروهی است که در مملکت عثمانی دوره سابق و مخصوصاً در مصر با آنها طبقه افندیه و یا شاوات می‌گفتند کبدون داشتن عنوان مخصوصی طبقه ممتازه هستند سلیمانی و رویه بنده اساساً آنست که از امور خارجی و سیاست خارجی و ممالک خارجی کمتر حرف می‌زنند و برخلاف آنچه بعد افراط و بلکه افراط اند افراد در مملکت مشبوع یافته که نه هشت صحبت‌ها از خارجه‌ها و امور بین‌المللی و تأثیرات آنها در ایران شده بنده فایده زیادی در آن مقوله صحبت‌ها نمی‌بینم هر چند که قصده من ملامت مخصوصی هم به علاوه‌مندان آن مقوله نیست ممذکو می‌خواهیم یک کلمه هم راجع به مطلبی بگوییم که اسم بعضی ممالک خارجی در آن می‌اید اگر ما بخواهیم مملکت خود را از خطرات خارجی حفظ کنیم باید بدایم که این کار تنها نه با قدرت نظامی و اقتصادی و نه با حکم ممالک دیگر می‌سر است (صحیح است) عرض کرد تم نهایا با این وسائل ممکن نیست بلکه اصلاح حال طبقه فقیر و حمتکش یعنی طبقه «مردم» در جر که تدابیر اویله است اگر هم از طرف بعضی معاف مهتم بمورد ملامتی بشوم باز وظیفه ملی خود میدانم که بگوییم که مادامیکه در بیش دیوار ما مملکتی وجود دارد که مگمین جیزی که از اوضاع آنچه‌گفته شود اینست که در آنها در مقابل بهش فقیر اسرافات متولین وجود ندارد محال است که بتوان اخلاقه، بسازند و خط نک دارند

طرف و بوسیله انحصار تجارت و نظارت دولت و دادن جوازها بواسطه ایرانی که موجب منافع بسیار گرا... آنها شده از طرف دیگریداً شده سبب صدمه بسیار بسیار عظیم و بنیان کنی در اخلاق اجتماعی و اداری مردم گردیده (صحیح است) و اینک ملت ایران بدوسه طبقه متغیر تقسیم شده که فرق بین آنها اینقدر فاصله و فاصله اینقدر زیاد و دور است که از فرق زندگی اهل بهشت و اهل بزرخ و اهل دوزخ در روایات‌دینی ما کمتر نیست (صحیح است) زندگی اهل دوزخ می‌شیست مردم فقیر و خورده پای مملکت است و برزخیان نیز طبقه متوسط کاسب ویشه و زندگان در واقع از لحاظ تسلط و نفوذ در گردش چرخ اداره امور عامه و بهره مندی مادی از فواید مشروع وغير مشروع آن فقط دو طبقه وجود دارد طبقه حاکمه و طبقه محکومه طبقه اول که بقول معروف آلمانی ده هزار نفر بالانی هستند ثروت و نفوذ و وسائل استفاده مادی و معنوی و حتی علم و معرفت را در خود تمرکز داده (صحیح است) و در حکم یک زمرة خاص همستانی هستند که طبقه محکومه را میدوشند و پوست آنها را می‌گشند و تامیخ استخوان آنها را می‌گشند (صحیح آنست) و از آن طبقه محکومه مثل غلامان مملکت روم قدیم سربازی و وطن پرستی و درستکاری می‌خواهند (صحیح است) و دادن سه ربع عایدات خیلی ضعیف و محقر خود به طبقه حاکمه تا از هر جریه آبی از آنکه آنها قطعاتی کم کرده و بگیرند و در تهران و مراکز لایات در یاها واقع است هایی برای افراد طبقه خود تهیه نمایند (صحیح است) عمارت‌های عالی و اتوموبیل‌ها و تعمیش مسرفانه و استفاده از نعمت‌های دنیا مخصوص این طبقه حاکمه شده و در واقع طبقه متوسطی نمانده است یک نویسنده نامدار آلمانی با اسم «ماکس سورداو» که کتابی بسیار دلکش باس «دووغهای تبانی شده» نوشته می‌گوید که فقر بر دو نوع است حقیقی و نسبی فقر حقوقی فقدان خوراک برای سدجوی و پوشان برای وقایه از سرما و گرما است و فقر نسبی معروی است از سایر وسایل رفاه وحتی تعجلی که دیگران دارند و شما ندارید (صحیح است) این است که اگر غال افران و معاشرین یک مستخدم دولت که بیش از هفت‌صد هشت‌صد تومان عایدی ماهانه ندارد اتسویل و سایر اسباب رفاه و تجمل داشته و زنای آنها با جواهرات مزین باشند آن مستخدم نزدیک بهمان انتازه حس فقر و بدین معنی می‌گذرد که صاحبان شکم گرسنه (صحیح است) و این فقره یا باعث هصیان و طفیان و هیجان شدید انقلابی او می‌شود و یا عزم بر بدست آوردن بول بهر و سیله نامشروع (صحیح است) این طبقه حاکمه را در میان خودشان «مردم» می‌گویند جوانی در فرنگستان بدیدن من آمده بود وهمیشه با این اصطلاح از طبقه تربیت شده و متمن طهران حرف می‌زد مثلاً در مقام صحبت از مسکرات می‌گفت که سایقاً مردم کنیاک زیاد می‌خوردند و حالا مردم ویسکی می‌خورند گفتم مقصودتان از مردم گست لابد دیگر قمار باز کلوبهای تهران است این است که ملت ایران بدین طبقه تقسیم شده که یکی از آنها مردم (نفعیم) باید گفت و بدیگری مردم (بغضیم) و حالا صحبت من زردم ها است هر چند که این تمول سریع و گزاف بیک طبقه دو تأثیر اخلاقه، بسازند و خط نک دارند

با ضعف مضاف قیمت اصلی فروختند و مال مردم خود را ارزان خریده بقیمت خیلی کران بتعارفه و یا باز بواسطه ایرانی که بروانه واردور ادارات دولت را گرفته اند فروختند (صحیح است) که آنها هم با منافع هنگفتی در خارج بفروشنده است (بنده برای کلیات اجمالی خودم یکان یکان شواهد ذکر نکرم و از اطباب مدل احتراز نمودم ولی اگر اظهارشکی دریکی از این اظهارات بشود ممکن است دلائل و براهین تفصیلی و شواهد نامدار در موقع دیگر عرض کنم فقط یات مثال هرچه می‌کنم که اخیراً شنیدم جو را در بعضی ولایات جز خیز ایران مثلاً همدان دولت خواری ۴۰ تومان از ملاکین می‌خرد که لابد نصف آن قیمت هم بر عایا و عزل آورند گان اصلی نمی‌سد و برای فروش آن اعلان مزایده ای داده‌اند با حد اقل ۲۷۵ تومان (صحیح است) این چیزی است من اخیراً از شخص بسیار قابل اعتماد شنیدم و شکی ندارم که بمرور زمان اطلاعات من نسبت با این قبیل شواهد پیشتر خواهد شد و امید آن دارم که همه خیر خواهان مملکت در دادن اینگونه اطلاعات بمن و وکلای دیگر کمک کنند.

انحصار های تجاری خرید و فروش اجنباس وارد و صادر و یا کارخانجات دولتی که محصول میدهندو آن محصولات با منفعت غیر متناسب بردم فروخته می‌شود فعلاً یکی از مضر ترین امور شده و با آنکه شخصاً طرفدار اصول نظارت دولت در حوالج عمومی و ملی مانند کارخانها و معدانی که دست دولت است هستم فواید این کار را موقوف میدانم بحسن اداره و دلسویزی نسبت بحسن جریان این عمل (صحیح است) و تقلیل مباشرین و کارگران اداره امور صنایع دولتی بعد افلاط در کیمی و حداقل در کیفیت و میزان کار و صرف نظر دولت از منفعت از واردات و صادرات که باس و عنوان دیگر مالیاتی است بر فرقه و نیز در صورت واسطه قرار دادن تجارتی هوسکاران دیگر برای صدور ورود اجنباسی که مردم این مملکت همل می‌آورند یا مصرف می‌گشند اولاً نظارت شدید و صادقانه در اینکه منفعت آن وسائط جزئی باشد و بواسطه افراط در منفعت فردی خون ملت مکیده نشود البته مقصود از تجار همه اشخاص و شرکتها و اداراتی است که با این نوع کارها یا مرتبأ و یا اتفاقاً مشغول می‌شوند تابیاً عدم تعیین بین اهل اینکار و توزیع این عمل باهله حرف در ولایات ایران باقایل شدن بحق تقدم بتجار واقعی وقدیمی نه ملاکین و خواهین و سیاست پیشگانی که هوس تجاری می‌گشند یا واسطه کار شده (صحیح است) منفعتی هنگفت می‌برند و بدست دوم که تجار حقیقی باشد منتقل می‌سازند که آنها هم منفعت دیگری علاوه کنند عدم رعایت این نکته و معروم کردن ولایات از این خوان یغماً باعث خرابی و انحطاط شهرهای دیگر و هجوم هوسناکان منافع گزاف تجاری به پایتخت می‌شود (صحیح است) که بطور غیر مستقیم موجب بروز مفاسد اقتصادی و اجتماعی دیگر می‌گردد اوضاعی که در ظرف هفت هشت سال اخیر بواسطه تمول سریع و مفرط جمعی در تسبیحه ورود قوای مسلح خارجی بملکت ما و مغاربی که کردند از یک

صد ها عنوانات جملی که بدون هیچ استثنای ( است ) ممه یا حتماً ندو نه در حد آنها باطل و بی شرند ( صحیح است ) والبته بدتر از یول مملکت در داخله است دوم عادت عجیب منطق مقایسه و تقلید سیاست پیشگان مازیز نرو و مترقبترين مالك خارجه و الخصوص امریکا و آن و فرانسه ( صحیح است ) که هیچ توجهی با ندارند که این نوع تقلید واقعاً مضحك است و من شخص قبیر و بیضاعتی است که سالی دو هزار یادی داشته باشد در خوراک و بوشک و از یک شخص با ثروتی که ده میلیون تومن دارد ایک دارد این نوع تقلید بی اندازه که راه یادیات دارد این نوع تقلید بی اندازه که راه است اگر بر بخار رساندن خود بیایه ترقی ممکن یاچند قدم از ما جلوترند بودیم قطعاً از آنها بیشتر استفاده میکردیم این تقلید نیوی و پاریس موج ایجاد مؤسسات و سایر خیلی فوق العاده در میان یک ملت فقیر و لخت و شده ( صحیح است ) و مستلزم مخارج گزافی که همه بر آنکه خود گناه کیه و لفو است ایجاد تحويلات جدیده اضافی بر خارکنان مدن تکمیل تو شک بر قوی طبقه متدن دستگاه دولتی طبقه حاکمه میکردد ( صحیح است ) سوم برای با مخارج گراف غیر لازم و مکروه یا مستثنی این دسته مستخدمین و ترفیع بسیار زیاد و بی رتبه و مقام آنها ایجاد تحويلات پایام مالیاتهای غیر مستقيم ( صحیح است ) و طلاقه مانند مالیات و عوارض قند و شکر و چای و کبریت و اشاء ضروری دیگر که بتدریج و در بعضی موارد مادله هار صد درصد قیمت آنها شده ( صحیح است ) تقریباً بال تمام بر دوش فقیر و خورده یا و زارع و بیشه و رملکت ( صحیح است ) ولی چیزی که ده مرتبه به آنست مالباتی است که بنام دیگر یعنی منافع خود دولت با استفاده اشخاص متقدی که ده بمقامات سکویی دارند بر ملت بی یا بار ( صحیح است ) انحصار تجارت واردات و اکر در ابتداء از نیت خوبی تراویش کرد عبارت از ملی کردن تجارت بوده که مصرف عین قیمتی را که هر جنسی برای عمل آور نداشت آنها با اضافه مخارج جزئی که بدستگاه ملکت شده باشند و تصور میرفته که بدینه است که خود قصد منتفعی نمیتوانست در این عمل داشته باشد نتیجه معکوس و نقیض بخشیده و آلت ته بیمارت صحیح مالباتهای سنگین بر ملت شده اینک این قانون در دست دستگاه اج ایه آلت وضع مالبات عجیبی شده و چون بهمن سهولت طلب ایرانی آسانی این نوع دخل دریافت و دانستند که تعیین این نوع مالیات آن بنوان مالبات در میان نیست بی بوده و وصول کردن آنها سهل است در افراد نوجوانه و بتدریج غالب مایحتاج خلق ایشان که فواید ملک خارجه را ارزان خریده بعضی امور همه دیگر برای راه انداشتن این دستگاههای اجرائی ضروری حداقل خود مردم مملکت هر کدام بر حسب استطاعت چیزی بنوان مالبات باید بدنه که جمع شده بین مصارف ضروری بر سر تشکیل این دستگاههای اجرائی و فرامه آوردن آن مایه نقدی که در حکم روغن آن چرخه است هیئت از حکومت مملکت است و توزیع تحويلات مالباتی با فراد ملت باید درست بیزان استطاعت هر یک و بهره مند کردن هر فرد از نتایج اعمال حکومت بطور تساوی و مخصوصاً اعلا درجه سعی در اجرای حدال برای تمام مردم و بالخصوص ضعفاء وظیفه آن حکومت باشد . فعلاً آنچه بنده مشاهده و استنباط میکنم اگر اشتیاه فاشن نکرده باشم این دستگاه که حکومت نامیده بقداری وسعت گرفته و بدون هیچ ضرورتی احداث شعب بیشمار نموده و برای هر شعبه ضروری وغیر ضروری اینها لایحصی مأمور و مستخدم و مشاور و مأمور مطالعه و صدها عنوان دیگر گذاشته ( صحیح است ) که مخارج این دستگاه پر هرض و طول باضعاف مضاعف حد ضرورت رسیده ( صحیح است ) و برای تدارک این مخارج راه منحصر بفرد گذشته از عایدات و اصله از بعضی شرکتهای خارجی تحويلات کمر شکن و فوق طاقت بر مردم فقیر و خردمندی مملکت ایجاد شده است ( صحیح است ) و این کار بطوری تسلیسل ییداگرده که همچنین شبکه ایجادهای خارجی مملکت از خزانه مملکت از نمیشود و هیچ مواجب خوری از خزانه مملکت از کار اخراج نمیگردد و بالعكس هر روز جمعی از طبقه حاکمه که امریکا یا انگلیس و فرانسه و سویس راچند روزی یا چند سالی دیده یا به کتب و جراید آنها نظری سلطعی انداشته خواهی برای تأسیس یک دستگاه جدید با عنوان تازه دیده بقول خود بودجه آن کار را تعیین بر بودجه هموی مملکت میکنند ( صحیح است ) و برای تهیه این مخارج تازه یک تعیین ملکی و اضافه مالباتی بر دوش فقرا گذاشته میشود ( صحیح است ) میل به مبالغه ندارم و نیخواهم با اشخاص هم قول شوم که همچنان مخارج فعلی مملکت را باطل میدانند لکن شخصاً هیچ شکی ندارم که دو ثلث مخارج بودجه فعلی مملکتی زاید و بی لزوم است ( صحیح است ) و فقط مصدق عنوان قدیم اخذ بنا حق و بدل بغیر مستحق میباشد بدترین اساسهای این ناحقی و بی حسابی و بی اعتدالی سه چیز است اول اصرار و افراط متفذین تهران و اشخاص دست اندر کار شهرهای دیگر در پایدار کردن معاش خود و بستکان و کسان و حمایت شدگان و حتی متولین بخود از خزانه دولت ( صحیح است ) و ایجاد کار برای این مأبیات بعد بکه بط ور و منظم و مستمر و تدبیجی و از روی نشیه مرتب تمام مردم کم و بیش باساده تهران و حتی اولاد کسبه و اصناف که بمدارس جدیده رفته اند بی در کیفیت استخدام شوند خیلی معتقد و کم تواند شد مثلاً برای نگاهداری نظم آبادیها و جلوگیری از دزدان و قطاع الطريق و بالجمله حفظ انتظامات ضروری لازمه اگر مراحت ییجهه مردم آزادرا جزو این وظایف قرار ندهیم این نظمیه و امنیه بعد اقل لزوم ضرور است و برای مدارس بعد اقل احتیاج معلمین و لوازم تدریس که و ساز و تقدیم ملک خارجه را ارزان خریده از

امور است و در هر ض این فکار ایداً قصد ادعایی  
نه نسبت بیهوده فوجیدن و دانستن کارهای مملکتی  
و نه بکشف مطالبی که از نظر دیگران دور بوده  
ندارم بلکه خوب میدانم که همه آقایان همکاران  
بهم این نکات کاهلا متوجه بوده و با همین نیت  
اشترال دارند لکن هر نهضت و حرکتی از تذکر  
معلومات خواهید ناشی میشود باین امید هم این  
اظهارات بعمل آمد و آنچه عرض کردم فقط برای  
تذکر و ادای وظیفه بود. میترسم که هرایض من  
بیش از انتظار طول یافته باشد و از مهربانی و  
برزداری آقایان محترم سوء استفاده کردہ باشم خیر  
آقا بفرمائید) لکن همه دردها و آنچه در دلیلک  
همکار مخلص شما خالجان میکنند و او را نا راحت  
مینماید در این محضر باید بمقام بیان آید و روی  
دانه ریخته شود لذا اگرچه مطالب ممکنون خاطر  
من بیایان نرسیده اجازه میخواهم ختم کلام نموده  
عرض قسمت باقی را بیک جلسه دیگری در صورت  
اجازه آقایان بگذارم. (صحيح است، احسنت  
اعتنی باش تقدیر فعال کردند و بالاخره

آن گنج نکرده باشد. ( صحیح است ) -

یکی از عادات نامطلوب آنست که وقتی بیک مالیات غیر مستقیمی برقرار میشود؛ مردم کم کم بآن هادت داده میشوند اگر در ابتدای جزئی بوده بعدها بعروه بالا میروند یعنی در مقام حاجت خیال به یهول برای هر کار نازه اولین فکر سهل و ساده که بنتظر هدیزان امور مملکت میرسد افزودن یکشاھی یا بیک فران بر میزان آن مالیات است چنانکه اخیراً دیدیم که برای یک کار خیرانی صرف فکر تعمیل مالیات جدیدی بر فرقای مملکت بواسیله افزودن بر میزان تمبریت و اجرت تلگراف بخاطر طبقه حاکم، رسید ( صحیح است ) تاچیزی از کیسه افغانها که حقاً بایستی برای این امور تبرع کنند در نیاید د صورتیکه سابقاً که نهادن در طبقات بالا بیشتر بود سالی مبالغ معتمه به برای مصارف بریه و غیره بدنوان زکر و خمس و مال امام و وقف و خیرات و تبرع و احسان از طرف متمولین صرف میشود ( صحیح است ) وقتیکه در یازده شانزده سال قبل مذاکره مقاوله خرید تمام قند مملکت از دوست دارانش که مالیات را

رسیمه - اجازه بدهید وارد دردستور شویم  
(نمايندگان - دستور، دستور) آفای، زیر کشاورزی  
بياناتی دارند بفرمائید آفای، وزیر کشاورزی .  
وزیر کشاورزی - بنده از آنجاچه که احترام  
زيادی نسبت به مجلس شورای ملی و نمايندگان محترم  
دارم عقیده مندم که مسئولین امور همواره گزارش  
عملیات خود را باطلاع کمیسيونهای مربوطه مجلس  
شورای ملی بر سانند (صحیح است) و این عمل را  
در طول مدتی که متصدی این قسمت از کارها  
خواهم بود عملی خواهم کرد . در جایه کندشه  
یکی از نمايندگان محترم که بنده سالهاست  
او را بايشان دارم راجع به عور جنگر یک ایرادی  
بنده کردنده بنده بخواهستم یک توضیعی اینجا  
عرض کنم تا آفایان از این امور مطلع باشند و تمام  
پرونده های وزارت خانه را باختیار هریک از آفایان  
که بخواهند میگذارم تا حقایق معلوم شود . از ابتدای  
سال ۲۶ که امسال باشد جواز هایی که از بنده خواسته  
شده برای قطع چوب یانصد و پنجاه هزار متر مکعب  
بود (اقبال - از چه سالی) اسال یانصد و چهل و هشت  
هزار متر مکعب اجازه خواسته اند بعلاوه یک چیز  
های مختصر ، اجازه ای که داده شده است سه فقره  
است در ده هزار و یانصد متر مکعب جمعاً که یکی  
از آنها بر حسب تقاضای وزارت دارایی سه هزار و  
یانصد متر مکعب برای شرکت شیلات است یکی  
اداره معادن برای تراورس تونه های معادن ذغال  
ینجهزار متر مکعب یکی هم برای اداره سبلجات  
ارتش دوهزار متر مکعب که جمعش میشود ده هزار  
و یانصد متر مکعب بنده خیال میکنم که در مقابل  
یانصد و پنجاه هزار متر مکعب ده هزار و یانصد متر  
مکعب آنهم در مقابل ادارات دولتی کاملاً مشروع  
است (صحیح است)  
۵- گفتم اعتمدار - با واسطه بوده یا ب بواسطه ؟ ...  
رئیسم - حق سوال ندارید مطابق ماده ۱۱۲۵  
قطع کلام نفرمایند متوجه باشید .  
وزیر کشاورزی - وزارت دارایی ازو زارت  
کشاورزی تقاضی میکند که اینقدر اجازه قطع چوب  
بدهدندمهسته اینه باید این سکو به که آقا واسطه ات

روز نامه‌رسی کشور شاهنشاهی ایران - سال سوم شماره ۷۹۸

این جریانی که در این چند ماه پیش آمد در من  
تائید کرد و تحقق گردم در نتیجه تحقیق مسلم شد  
بر من که در انتخابات یزد خیلی فجایع شده و حالا  
بنده عرض میکنم که آن فجایع چیست، این یک  
کتابچه است راجح بانتخابات یزد یعنی راجح بانتخابات  
آفای فاضلی و آفای هراتی چاپ کردند، در  
این کتاب استدلال نیست، هونیست، فریاد نیست،  
جنجال نیست، تعامش تلکرافانی است که رو بدل  
شده، فقط تلکراف است فقط متن قضیه است که  
نشان میدهد انتخابات یزد از چه قرار بوده است،  
یعنی باید هر ضم کنم خدمت آفایان این یک دوشه  
چهار پنجشش هفت هشت نه ده یا زده دوازده سیزده  
چهارده صفحه است، فقط شماره تلکرافات رمزی  
است که راجح بانتخابات یزد شده این سیزده صفحه  
تلکراف نیست فهرست تلکرافات است (خنده  
نایندگان) میگویند قارون اینقدر متول بوده که  
چهل قاطر کلید گنجهای او را میکشیده نه خود گنج  
او را، کلید گنجش هم از چرم بوده که سبک باشد،  
این صفحات تمام اینها نمره های تلکرافات رمزی  
است که بین دو نفر از وزرای عین آفایان موسوی زاده  
و آرامش و عمال انتخابات در یزد مخابره شده  
سیزده صفحه ارقام، یعنی مثلاً تلکراف نمره فلان و فلان  
و فلان، ۱۳ صفحه است بهادری - مجتبی بوده این  
تلکرافات؟ اینها همه رمز است، کشف کردند،  
و اما تلکرافات غیر رمز را هم هر ضم میکنم، یک  
داغ دل بس است برای قبیله ای، من اینقدر برایتان  
نیاز نداشتم، گفتند اینها کجا هستند؟

رقبس - آقا ساکت باشید

فرامرزی - این آفای وزیر کسی است  
این دو نفر آدم را تمهیل کرده باین ملت (دکتر  
ظلمی - آقا اسمش را بگویند که مردم بشناسند)  
نه آمده‌ام پشت این تریبون بگویند ملت ایران  
کشفی کردم و آن این است که اگر دولت  
نهانی نمیکرد شماها عقلتان نمیرسید که یک و کیلی  
آفای فاضلی رانتخاب بکنید (خنده‌نمایندگان)  
آن راهنمائی و دخالت دولت لازم هست تا ملت  
حق یک چنین نعمتی بشود . یکی دیگر از علل  
الفلت من با انتخابات یزد همین قضیه است و الا  
ته یزدیها بودند که بیش از من صلاحیت داشتند که  
دخالت کنند باصطلاح مخالفت کنند و حرف بزنند،  
ته چون یک وزیری بنم کفت اگر ملت ایران  
و دش دخالت بکند نمیداند چه جور و کیلی انتخاب  
کنند و او این آقا را انتخاب کرده این است که  
نه آمده‌ام بملت ایران عرض کنم که هر وقت یک  
ساور برای انتخابات یاک خواستند از دولت بخواهند  
ای اینکه ایشان خوب انتخاب میکنند به عرض  
نم یکی این است یکی هم اینکه قرآن برای من  
ستادند و من متاثر شدم البته من اینقدر احمد نیستم  
خشک هم نیستم که همینطوری یک کسی بیجهعت  
من قسم بددهد من تحت تأثیر او فرار بگیرم برای  
که مسئول قسم او خودش است من نیستم مثل  
سکه در بازار آدم میرود هی قسم میخورند که این  
چه، پشم است وقته که آدم باور نکرد میگویند  
کفر تو مسلمان نبستی ، او قسم دارد میخورد من  
مسلمان نبستم ، والبته اینجور قسمها در من اثر نمیکند

انتخاب نکرده اند آنوقت وظیفه وجود اینها است که اعتبار نامه من را رد کنند چون مقصود از انتخابات حاکمیت مردم بر مردم است، اگر غیر از این باشد بخطر من اصلاً وجود مجلس و این ترتیبات معنی ندارد، ممکن است یک وقتی یک کسی بگوید که یک ملتی لیاقت مشروطیت ندارد مثلاً، این حرفي است این دو وجه دارد یکی اینکه یک ملتی وقت متوقف بدارند مشروطیت را بکارهای دیگر بپردازند و ملت را تربیت بکنند تا استعداد ییدا بکنند (حاذقی - ییشهاد تازرا یس بگیر بد) ییشهادی نکرده قربان، من خیلی متأسفم که مردم حرف را وقتی که آدم برای انبات معنی آن چیزی که آنها میگویند میگوید آنرا هم حرف او میدانند، مثلاً من آدم اینجا راجع به حکومت نظامی گفتم یک کسی، یک خانمی در یک کنفرانس که آنروز هم اسم بردم میگفت من محمد علی میرزا را مرد شریفی میدانم چون مستبد بود و میگفت من مستبدم، استبداد را باسم مشروطیت اجرا نکرد، یک عده از روزنامه ها داد و فریاد بلند کردند که فلاانی میگفته محمد علی میرزا مرد شریفی بوده است، اولاً من این را نگفتم، من این را برای بطلا و نشان دادن زشتی عمل کسی گفتم که مستبد است و باسم مشروطیت استبدادر جاری میکنند، سعیدی میگوید سک بر آن آدمی شرف دارد - که دل مردمان بیازارد، حالا داد و بیداد راه بیندازند که سعیدی گفت سک از آدم بهتر است؟ (اردلان - این شعر از حافظ است از سعیدی نیست) (یکنفر از نمایندگان - مال سعیدی است آقا) (یمین اسفندیاری - در هر حال مال هر کسی است گفته شد، است) بهر حال گفته است، این نگفته که سک از آدم بهتر است، بخواهد مغالطه بکند، من آقای حاذقی معتقدم که ملت ایران لیاقت مشروطیت دارد، ولی دولتش او را مغلوب کرده بر امر خودش، وقتی که دولت قوانین در دستش است، توب در دستش است، قوای مسلح در دستش است، قانون هم در دستش است، نهنه امانت ایران مغلوب میشود ملت آلمان هم مغلوب شد فرانسه هم وقتی که آلمان در آنجا تسلط داشت جز مطابق اراده آن قوه مخالف نمیتوانست عمل بکند من میگویم آن کسی که میگوید ملت ایران لیاقت دندار دکه خودش برخودش حکومت بگنند اگر راست میگویند چه ابازی در انتخابات میکنند باید انتخابات را موقوف بدارند یا مثل زمان سابق یک صورت ازو کلا تعیین کنند همانهارا تعیین کنند (آشیانیزاده - کدام زمان؟) دو ده بیست ساله، هر کس منکر است بگو منکر وجود تهران هم بشود (آشیانیزاده - بنده منکر نیستم) بله یک کسی میگفت جنابعالیه میدانم یکی از این چنگیرها میگفت من یک کشفي که کرده ام این است که زاین اسم یک مملکتی نیست زایون اسم پادشاه چن است خوب آنهم حرفي است این مانعی ندارد ولی زاین اسم یک مملکتی است (خنده نمایندگان) هر چند کنم حالا هم که من ناچار هستم یس یک کشفي کردم این هم مبغذه اهند از من اتخاذ شد بکنند میگویند یک مردی رفته بود در دارالمجانین در آنجا وقتی رفت، یک کسی آمد جلو و گفت که آقا شما لابد اینجا آمدید بازدیدی بکنید، اطلاعی

رئیس - علی‌ای حال رأی بنمایندگی ایشان گرفته می‌شود .

فراهرزی - بنده مخالفم بنمایندگی ایشان رئیس - بفرمائید .

فراهرزی - عرض کنم گفته‌ند اعتبار نامه آقای فاضلی در شعبه رد شده بنابر این چون من بار داشتن اعتبار نامه ایشان موافق بودم دیگر معنی نداشت که مخالفت کنم بهر حال بنده با اعتبار نامه ایشان رسماً مخالف هستم .

رئیس - گزارش شعبه که مبنی بر ردیست .

فراهرزی - پس اجازه بفرمائید که بنده عرايضم را بکنم .

رئیس - بفرمائید .

فراهرزی ۰۰۰ مهدی ۱ باب - آقای فراهرزی با آقای هراتی مخالفت کردند ! راجع باین اجازه بفرمائید بنده توضیح بدhem .

رئیس - آقای ارباب شمامخربیه بعد بفرمائید آقایان بیرون تشریف نبرید .

فراهرزی - میخواهند بیرون تشریف بپرسند بپرسند بنده باید حرف را بزنم تا حرف نزنم بهر صورت رأی گرفته نمی‌شود .

مالک‌هدفی - باید امر بفرمائید آقایان منشی‌ها حاضر و غایب را مراقبت کنند .

رئیس - گفته‌ام مواظب هستند .

فراهرزی - عرض گنم که ابهه شاید موجب تعجب بشود که بنده چطور با اعتبار نامه نمایندگان بیزد مخالفت می‌کنم و حتی اینکه آنروز اینجا همکار عزیزم آقای فولادوند فرمودند چطور کسی که نماینده یک محلی بست . ( فولادوند - من بشما هر ض نکردم ) پس عرضی ندارم بنابراین این اصل صحیح است که نماینده مجلس نماینده هر جا که باشد نماینده تمام ملت است . ( صحیح است ) و در تمام قسم‌ها میتواند حرف بزند ( صحیح است ) عرض گنم روزیکه انتخابات بیزد بیش آمد تصور نمی‌کنم یک هر آنرا کمیل است یک ایرانی باقیمانده باشد که از داد و پیدادی که مردم بیزد بلند کرده با خبر نباشد در آن هنگام خاطرمن هست لک عده زیادی بیزد آمدن در ادا و روز امه کیهان صحبت کردن با ما ها راجع بوضع انتخابات بیزد ، من حتی بیکی از آنها گفتم شمادلتان بروای آزادی انتخابات می‌سوزد ؟ گفتند بله . گفتم چرا بیار سال نیامدید ، گفتند بیار سال این طور نبود ، گفتم بطور یکم من اطلاع دارم وضع انتخابات در خیلی جاها همیشه اینطور است متنه بیار سال دسته شما بر دند آنها داد و فریاد کردن و تبلیفات کردن بجای نرسید امسال آنسته بر دند شما ها داد و فریاد می‌کنید و بعاجی نخواهد داد و سید باید فکری کرد که انتخابات از تلاع و بازی آزاد باشد والا هر کس دسته او که برد تعریف می‌کند می‌گوید خوب است دسته مخالف او که نبرد داد و فریاد بلند می‌کند که این خوب نیست ، من در این قضیه دخالت نکردم و روزنامه کیهان هم وارد تغواص شدو مارا از این مجادله معاف بدارید بیکشان زیاد جز و فرع کرد . تقریباً با شوخی اگر مردم فرض بفرمائید اصفهان بندر رأی دادند دسته چه مربوط است که من جزء آنها هستم مخالفان هستم یا موافقان هستم ؟ یا اینها وجود اجازه مبدده که برای اینکه با من مخالفند مردم اصفهان را بایمال گنند ؟ حقوق مردم نایمال گنند ؟ آنها م انتخاب کرده‌اند ، آنها

را که همه آقایان دارند و بنده هم دارم و ما ایران دارد عملی بکنند، هر ضم بمنه فقط این چه کلمه بود و آقایان مطمئن باشند هما طور یکه هر کردم که نهایت مرافت را بنده درین چند هفته چند ماهی که هشت میکنم که وظیفه ام را ناجم بد ولی اینکه گفتم در مقابل یانصد و پنجاه هزار مکعب تقاضی ده هزار و یانصد متر مکعب اجدا داده ام این هم همچو هنری نیست، این را باز عرض میکنم چوب چیزی است که مورد احتیاج مردم اسلام ایران در حال بین دویست و چهار صد هزار میل ملت چون مصرف میکند، باید این از بیک را تأمین شود، باید از این جنگلهای بکری که ما دار استفاده شود صدها هزار متر مکعب چوب در این جنگلهای میبود و ما وسیله استفاده از آنها را نداریم البته هر مقدار که حالا برپیده میشود و بطور غیر معمول چنگل مارا کم میکنند، باید آقایان کمک بفرمایند باوزارت کشاورزی مساعدت بفرمائید، تماماً بتوازن این نرود عظیمی که داریم استفاده کنیم، وهر کسی که خطای کرد هر کسی که درست کار نماید از محاکمه کنید، اورا مجازات کنید ولی از مأمور درست هم تا حدی که ممکن است قدردانی بشایع است، احسنت).

۳- طرح سه فقره اعتبارنامه و تصویب دو فقره از آن

رؤیس - گزارش شعبه راجع باقای افغانی مطرح است. آقای معتمد دماوندی.

عامری - با نهایت تأسف از این اعتراض شده بنده از طرف حزب دمکرات آذار فرش خودم از ایشان خواهش کردم که پس بگیرند.

رؤیس - بسیار خوب بنابر این رأی گردد میشود بنمایند کی آقای افشار از مراغه آقایانی موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

مکی - آقای دکتر ملکی را بفرمائید.

رؤیس - من خودم میدانم شما دخالت نکارش آقای دکتر ملکی مطرح است آقای دماوند مخالفند، بفرمائید آقای دماوندی.

ابوالامکارم ده‌آوقلی - بنده بصل افغانی اعتراض نداشتم اعتراض بنده بانتخابات ولی چون از طرف فراکسیون بینده امر شد که مخدون نکنم از این لحاظ اعتراض را پس بگیرم.

نمایندگان - احسنت.

رؤیس - رأی گرفته میشود بنمایند آقای دکتر ملکی از مراغه آقایان موافقین قیام (غلب قیام نمودند) تصویب شد. گزارش انتخابات راجع باقای میاس فاضلی مطرح است. آقای اقبال - بنده مخالفتی نکردم.

معتمد دماوندی - رأی بگیرید.

یکنفر از نمایندگان - آقای فراموش مخالفند.

رؤیس - آقای فرامرزی.

فرامرزی - عرض کنم آقای فاضلی اینکه رد شده بود در شبهه من با گزارش شبهه شده است موافق هستم اگر رد شده در شبهه

زندگی بهره مند شود . میتواند از زندگی متمم شود ؟ میتواند با آنیه اش امیدوار باشد ؟ میتواند حقیقته متأهل باشد و امیدوار باشد که بجهه های او سعادتمند بشوند ؟ مال که بوده ، کدام طبقه بوده همین بارچه قرار دادن قانون که اقویا کرده اند بعد این ها خودشان از اشخاص دیگری توسری میخورند . این تلگرافی است که این آقایان کر ، دهان و من خواهش میکنم از آقایان نمایندگانی که تردیدی در هرایض بنده دارند راجح باین اشخاص که من هنوز اینها را ندیده ام تحقیق بکنند تمام اینها مردمی کاسب و تاجر و محترم و نیکنام هستند ، اینها چه ماجراجویی میخواهند بکنند ، یک تاجر یا یک کاسپی چه ماجراجویی میکردند ( بخشید آقای ارباب و آقایان یزدیها ) ، یک یزدی گفت من اگر میفهمیدم تمام اسلحه هایم را میفرختم و شلاق میخریدم آنوقت یزدی ماجراجویی میکند ؟ راهزنی میکند ؟ و اینها را میگیرند تبعیدشان میکنند این تلگراف میبینیسد ، « اداره فرمانداری رونوشت شهربانی ، رونوشت دادرسای شهرستان یزد اینجا نبان که حسب دستور کتبی فرماندار بر خلاف قانون بااتفاق مصطفی مفیدی و کیل شهربانی تبعید و از حوزه انتخابیه یزد خارج شده ساعت ۱۴ دوشنبه ۶ اماه جاری به نائین وارد شدیم طاهری - ریسمانی ، روهنی ، عفووی ، یهلوان پور امیدوارم دیگر وجود این اشخاص در تبعید کاه تکذیب نشود( بعضی از نمایندگان عده کافی نیست - بعضی دیگر - کافی است ) اگر اجازه میفرمایند بقیه هم خوانده شود . رئیس - اگر عده برای مذاکرات کافی باشد برای گرفتن رأی کافی نیست اگر زیاد است بماند .

- بعضی از همایندگان - تنفس برمایید بقیه باشد برای جلسه بعد.

فرامرزی - بسیار خوب برای جلسه بعد باشد

جون خبلی از این حرفها دارد.

**۴- تعطیل جلسه بعضوان تنفس**

رئیس یکر بع تنفس داده میشود،  
 ( در این موقع ساعت نه و نیم بعد از ظهر جلسه )  
 بعضوan تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید )

## اخبار محلیں

کمیسیون دارائی روز ۱۴ آبان ۲۶ مقارن  
بریاست آفان یمین استندیاری تشکیل و با  
رآفای وزیر پست و تلگراف و تلفون لایحه  
راجع بکمک بنگاههای خیریه و شیرخوارشید  
ول مبلغی اضافه از ایاکات یستی سفارشی ~~و میظنت~~  
ح بیشنهاداتی که آقایان نمایندگان محترم در  
جلس نموده بودند مورد توجه و در نتیجه ماده  
ه بالصلاحاتی باضافه یک تبصره تصویب و گزارش  
یمجلس موکول بااظهار نظر کمیسیون بـت و  
اف گردید.

ولی آنها آمده اند یا نه و بر کشند و رفته اند زیر همان چرخیکه خودشان درست کردند و چرخ آنها را له کرده است، برویم بگردید دنبال چرخی که برخلاف قانون و برخلاف بیعت نگردد و بی جهه آدم را له نکند و خودتان را صاحب چرخ و گرداننده چرخ ندانید... این نامه ایست که رئیس شهربانی در جواب آفای فرماندار نوشته است.

«اداره فرمانداری شهرستان یزد، عطف بر قوه شماره (۵۹) ینجتفر آقایان مفصله زیر آفای رسماً، آفای روهنی، آفای مهدی طاهری، آفای غفوری، آفای بهلوان بور شهربانی احضار بمشاربهم اخطار گردیدروی، ماجراجویی و اجتماعاتی که موجب اختلال نظم و آرامش خواهد بود متوجه حقیقت اینها مستحق ترک بودند در مملکت متوجه واقعه اشخاصی که گول الفاظ میخورند خوب کاری نکردن کسانی که در دنیا گول الفاظ را میخورند گول کامات کسانی را میخورند مستحق همین چیزها هستند، خوب مردم شما که می بینید اجتماعات لازم نیست و آدم را میگیرند چوب توی آستینش میکنند چرا دیگر اجتماع میکنید؟ بگویید به شهربان، سمعاً و طاعة هرچه میفرمائید اطاعت میشود هر کارا شما میفرمائید او و کلیل ملت است و تصویب میشود و حالا یزدیها این کار را هم کرده اند یعنی رده اند بفرمانداری وقتیکه فرماندار گفته است و کلای سابق نباید باشند، گفته اند این آقایان را ما نمیخواهیم باشند و اینهایی که شما میگویند ما قبول نداریم میخواهید از طبقه تبار، از طبقه علماء، از طبقه دکترها و تخصصی کرده ها ما ده نفر اسم میبریم ازین ده نفر سه نفر که مطابق میل دولت است انتخاب شود ما حرفی نداریم، گفته خیر، و فتح الاقلام و جفت الصحف قلم برداشتند و گافد در آوردند ولی آنهم گفتند بد است و مینویسد، اجتماعاتی که موجب اختلال نظم و آرامش خواهد بود متوجه و چند نزد خارج از حوزه یزد مسافرت نمائید یعنی باین آقایان گفتند انهار داشتند که چنانچه در یزد باشیم مجبوریم با فعالیت و جدیت کامل مبارزه و مقاصد خود را انجام دهیم و حاضریم با مأمور بخارج حوزه یزد مسافرت نمائیم بنابر این اشخاص موصوف ساعت ۹ صبح امروز بایکنفر مأمور از حوزه یزد خارج گردیدند مرائب را استحضار آبرض رسانید.

اینها چند نفر بودند که فعالیت میگردند در انتخابات و نفهمیدند که قانون اساسی نهاین الفاظی که توی این کتابچه کوچک نوشته اند، قانون اساسی یعنی فرمان آفای مسیر نوری که فرماندار آنجا است، مازره کرده اند، گرفته اند برای حفظ جانشان برای اینکه مردم یزد آنها را نکشند بایشان گفته اند که تشریف بپرسد آنها هم تشریف بردند.

آقایان این قدر بازیجه قراردادن قانون، بهتر این نیست که یک مملکتی قانون نداشته باشد و ساده زندگی بکند؟ و بهتر از این نیست که قانون را سنک قرار بدهند و بزنند توی سر ملت؟ اگر قانون را حربه قرار بدهند و بزنند توی سر ملت؟ اگر قانون را نباشد تکلیف آدم معلوم است میگویند آقایان اینکار رانکن او هم میگویند نمیشود خوب میگویند نه و دمن هم ول میکنم اما واقعی که قانون باشد و قانون را وسیله و بازیجه قرار دهدند؛ آقایان یک جنون ملت میباشد اذاین

مراقبت را در حسن انتظام امور انتخابات دارند وضعی را بوجود آورند که درنتیجه اجراء سوه نیت خود را نموده مأمورین انتظامی را مواجه باشکالاتی نمایند جریان امر را تکر آفای بعرض جناب اشرف آفای نخست وزیر رسانیده از نظر مسئولیتی را که در حفظ سیاست همومنی و خصوصی دولت دارم و مخصوصاً مراقبتی که باید از حسن انتظام و جریان امور انتخاب بعمل آمد ایجاد مینماید که چند نفر از این اشخاص ماجراجو که طرف سوه قصد عمومی هستند و شاید مخاطرات جانی برای آنها بیش آید...» ملاحظه بفرمائند دایه مهر با این از مادر یا و کلیل بر مدعای از صاحب مال یعنی این آفای فرماندار این چند نفر بقدرتی طرف سوه قصد عمومی بودند که اگر در یزد میباشند مردم آنها را میکشند، آفای فرماندار برای حفظ جان آنها بشهربانی دستور داده که شما اینها را تبعید کنید که لافل در یک گوشاهی بسلامت بسر بپرسند ... تاینچه که مینویسد «اشخاص ماجرا جو که طرف سوه قصد عمومی هستند و شاید مخاطرات جانی برای آنها بیش آید فلا ناخانه انتخابات در یزد هستند لهذا، قضی است آقایان مفصله زیر را بشهربانی احضار فرموده و ابلاغ کنید چند روزی را بهر جا که میل دارند خارج از شهر حوزه یزد مسافرت نموده تارویه این چند روزه متوجه و بدون جهت مردم را گرفتار زحماتی نمایند، این آقایان اینها هستند:

«آفای محمود رسماً، آفای روهنی، آفای مهدی طاهری، آفای غفوری، آفای بهلوان بور، چنانچه مسامجه نمایند شهربانی وظیفه دارد که آنها را بوسیله مأمورین خود از یزد خارج کند نتیجه اقدام را شعار فرمائید»

میگویند از دردش اینچه که امید است؟ و قتی که دوا خودش موجب درد میشود از برای آدم غیر از مرک چه چاره است قانون را برای حفظ حقوق مردم وضع کرده اند قانون را برای تأمین مردم وضع کرده اند. قانون وضع کرده اند که آدم امنیت داشته باشد در منزل خودش و از حقوق خودش استفاده کند، وقتی که قانون را وسیله فرار میدهند و بوجب آن سلب آسایش و امنیت از مردم میکنند چطور میشود مردم در این مملکت زندگی بکنند؟ آقایان فکر بفرمائید که همیشه و کلیل نبستند، آقایان فکر بفرمائید که همیشه محیط با آدم مساعد نیست، آقایان فکر بفرمائید که ممکن است یک وقایی یک دولتی فیر مساعد با آدم بروی کار بپاید اصلی را محکم بکنید که همیشه بتوانید زندگی بکنید فلسفه ایجاد مجلس، فلسفه وضع قانون برای روزی است که آدم از دولت و قدرت قانون فایده بپردازد والا آدمی که خودش قدرت دارد و یا حمایت از قدرت دارد آن احتیاج بقانون ندارد، شیوه قانون لازم ندارد، آهو قانون لازم دارد، آدم باید فکر آن روزی را بکند که آهو است، من نص رمیکنم این جریانی که در این مملکت بیش آمده و همه ماهما چند روزی بالا و چند روزی یائین بودیم بس است، اینقدر باید چشم ما را باز بکند که متکی بشویم بیک اصلی و یک قاعده ای، چند نفر میخواهید من توی این مملکت بشما معروف بکنم که آنها را چرخ بردند

نمیگوید که هن تفسیر میخواندم یا اعمازه ده باخته  
قبکویده مثلاً پالاش کج است، کوست هیگردم ای  
یک قسمت از تلکرافاتی است بدون اینکه شرطان و  
درد بیارم و همچنان شیوه بهم است فایده دیگری  
ندارد. و اما این کتاب، این هم یک قسمت از تلکرافات  
چاپ شده که غیر از آنها است از آنجمله این نام  
است گمابر نوری فرم ندار بزد بشهریانی نوشته  
برای تبعید اشخاص این را اجازه نهید بخوان  
( نمایندگان - بفرمانید « نامه شماره ۷۱۵ - ۱۴ )  
۱۰۰ واصل و باستحضار کامل از وضعیت ادار  
شهریانی یزد مستقیم و محرمانه ( خلی هم مجرمان  
بود در این کتاب چاپ شده )  
« مستقیم، محرمانه، اداره شهریانی یزد نا  
شماره ۷۱۵ - ۱۴۱۰۵۰ واصل و با استحضار  
کامل از وضعیت در این چند روزه ورود بزد هم  
باقی گزارش های واصله از آن اداره و اطلاعات  
کافی که رسیده عده مساحرا جو و نا راحت مشغول  
تعربیکات و تظاهراتی برخلاف آرامش و انتظامات  
محالی هستند و همه روز، جلساتی تشکیل میهند  
اقدامی مینمایند که سبب هیجان عمومی شود ۰ ۰ ۰  
در مملکت مشروطه بعد از چهل سال مشروطت در  
زمانی که افکاری در زندگانی پیدا شده است که حتی این  
دستگاهی پیر از عدالت را هم قبول نمایند که صورتش عدالت است و حقیقت عدالت نیست در  
یک چنین مملکتی و یک چنین قرنی تشکیل جلسات  
موجب این است که آدم را بگیرند و تبعید کنند  
و امش را بگذارند ماجرا جو، آ وقت آقای  
حاذقی هم میگوید حرفت را پس بگیر، چرامن  
حرف را پس بگیر، عملتان را درست کنید، این  
اعمال نباید بشود، من که حرفی نگفتم، ان اعمال  
هست قربان، وقت بدتران مباید و کار بدی است  
مجلس شورای ملی دولت و همه نکنند، و اگر کار  
خوبی است چرا بدتران می آید، اگر کار خوبی است  
باید خوشنان باید، بنده عملشان را میگویم ۰ ۰ ۰  
بلی این جا مینتویسد برخلاف آرامش و انتظامات محلی  
هستند و هم روزه جلساتی تشکیل میهند و اقدامی مینمایند  
که سبب هیجان عمومی شود. در این موقع کدولت نهایت  
مراقبت را در حسن انتظام امور انتخابات دارند ..  
مثل انتخابات بوشهر که هنوز تأیین انتخاباتی  
نیست بقدرتی باید مواطن بود، بقدرتی باید  
انتخاب انتخاباتی باشد که دولت یقین داشته باشد که  
جز آن کسی را که او میخواهد کسی دیگر در زندگان  
در فارس یک نهضتی شده است که فشایها کردند اند  
بعداً هم بخود شقایها اجازه داده شد که خودشان  
و کیل بشوند، جای دیگری که فشایها داشتند  
را تکان داده آنجا هم تکان خوردند هنوز میگویند  
تأمین انتخاباتی نیست، در خود فیروز آباد شقایقی  
که نهضت شده آنجا هیچ هیچ ندارد، دولت هیچ  
افرادی هم ندارد، قومای هم ندارد آنجا میگویند  
هرچه میخواهند بدهند و کیل هم بشوند جای دیگر تأمین  
انتخاباتی ندارد، قانون دستش است زور هم دارد.  
فیک الخصم وانتالغضصم والحكم، قانون گذار خودش  
قاضی خودش، مجری هم خودش چکارش میشود  
کرد و میگوید میخواستند شلوغ بکنند آنها را  
گرفته و تبعید کرده است هر قبول ندارد برود  
معکوه که دا ... مینتویسد در این موقع کدولت نهایت

یابجاگی پناهنه نشوند شکایت هم نکنند « امیده واریم  
بعداز قتل خدا بشهاست لاضلی » « تهران، جناب  
آقای آرامش وزیر کار و تبلیغات توجه جناب عالی  
را بموهیت حساس و باریک رفیق محترفان جلب  
هر کس قصد دارد چندروز دیگر در تهران متوقف «  
ازمها جریان اگر میخواهند پر کردند فعلاً نگاهشان  
دارید طبق ماده ۸، جاوگیری از اغتشاش وغیره  
خیلی ماده هست، جلو را بگیرید « هر کس قصد  
یزد دارد چندروز دیگر تهران متوقف مقصود زدیک  
است موافقت فراریان را فرمائید رحیمی خردمندی «  
بنده خدمتشان ارادت ندارم « تهران : خدمت جناب  
قای آرامش وزیر محترم کار و تبلیغات آقایان  
حائزی زاده و فاضلی بوج بلاتکلیفی تلکرافاتی از  
جناب آقای وزیر دادگستری کسب تکلیف شده  
جواب نرسیده سه روز پیشتر وقت نیست استدعا می  
کنم هرچه زودتر رفع محظورات بفرمانید منتظر  
جواب مبار « که البته فرماندار آنجا است « فوری  
تهران، جناب آقای سرهنگ امیر پرویزی فرمانده  
محترم هنک اصفهان و زاده آقای سرگردیان مستعدی  
است فوری حرکت فرمائید فاضلی « از برای انتخابات  
آزاد و ملنی یزد وجودیک هنک ویک سرهنگ ویک  
سرگرد لازم است ( خنده نمایندگان ) این تلکراف  
در مقابل آن اظهار نگرانی که ایشان کرده اند که  
شاید فراریان به تهران بپنهانند. کلید بگیرند «  
اطمینان خاطر باشان داده اند که خاطر شان راحت  
باشد « جناب آقای فاضلی غارتگران فراری حرفشان  
بچانی نمیرسد، کاندید ها قطعی است جناب عالی  
آقای نواب - آقای هراتی، تلکرافهارا ترتیب اثر  
نهید تلکرافی که امضاء کرده ام فوری مخا بره،  
موضوع آرامش برقرار است چنین « بوده نیکو «  
« تهران، منزل آقای موسوی زاده آقای نیکو،  
نایق عرض کنید جناب آقای فرماندار نسبت باقای  
فاضلی متوجه و نگرانند مستعدیم فوری تلکراف  
رفع نگرانی فرمائید » باقای نیکو در منزل آقای  
موسوی زاده تلکراف کرده اند که آقای فاضلی نگران  
نهید تلکراف، انتخابات ملی یزد، رفع نگرانیش را در  
تهران بفرمانید ( نواب - امضاء تلکراف را  
بخوانید ) اطاعت می شود، نواب، چون در شب  
هم مطرح بود عرض کردم ( نواب - من  
تکذیب می کنم ) ( فاضلی - من هم این را  
تکذیب می کنم تمام تلکرافها جعل است ) پھر  
حال این تلکرافات هم شماره دارد، نمره دارد،  
این نمرة تلکراف، این نمره کتاب و محل مخابره  
آن تعامل را تقديم مقام دیاست میکنم ( نواب -  
بکلی بنده تکذیب میکنم ) به حال اطمینان داشته  
باشید که بنده جمل نگردم جناب آقای نواب ( زنک  
ممتدد نیس ) در ملی بودن و کلت شما من هیچ  
تردیدی ندارم ولی دهایها مثلی داند، غیر از  
جناب عالی بشما عرض نمیکنم بشما جسارت نمیکنم  
 بشما احترام میکذارم برای اینکه مردم یزد بشما  
رأی داده اند و بشما احترام میکذارند، اگر در  
انتخابات یزد دخالت نشود شما و کیل میشوید بنابراین  
این بشما هر ضمی ندارم ولی ما دهایها مثلی داریم  
برای کسانیکه از خود دفاع میکنند، میگویند شما  
اگر کسی را روی خرگفتید میگوید بالا شود از  
میکردم، بالاخره اگر آدم عملی کرد طبقاً دلایلی  
هم میآورد که نزدیک بستکذیب باشد، دیگر آنجا

حواله داد هویت جناب آقای از اوقات و ملاقات  
با اخوه دستور حکم نمایند فاضلی « این تلکرافی  
است که فرماندار آنجا آقای مدبر نوری کرده و  
نشان میدهد که چه لشایی هم مقداری از این تلکرافات  
را خوش خواهم کرد، خواهم خواند، خواهد بوده  
آنچه باشیم حزب بیدار، بستن در خانه بودم .... ،  
تلکرافات هست، نه شده است، نمره دارد در  
شانه هم داد گذاشته اند، یاسان گذاشته اند  
که از خانه بیرون نمایند، جلو اجتماعات را گرفته  
اند، در این حزب را بسته اند، یکنده ای را بعید  
کرده اند که الان شعیده هارا هم البته سند و مدرک  
نمیشند باشطی و نمره کفرماندار دستور داده که آن  
ها را بعید کنند « خدمت جناب آقای هوسوی زاده  
وزیر محترم دادگستری چند ورز است دسته هما جراحت  
بنام خوب بیدار در یزد بتحریک اشخاص از مرکز  
مجتمع و همه روزه برخلاف انتظامات ظاهراتی  
مینمودند که بوسیله شهریانی آنها تذکرات لازم  
داده تا دیروز در موقع افتتاح انجمن انتخابات یک  
نفر از آنها حسن مرستی داماد سید جلیل الى آخر «  
تا اینجا که میگویند ما تابلوی حزب بیدار را باین  
آوردم و خلاصه یکنده ای را گفتم فعلاً در یزد  
باشند البته ایشان نگفتند من برای این گفتم  
که اینها در یزد نباشند که مثلاً نیتوانیم انتخابات را  
بیش ببریم، البته گفتند هرج و مر جریانی دلیل ولی  
آنروز اگر دولتی بود که اعلان میکرد و میگفت  
که من میخواهم انتخابات را خودم ببرم اگر کسی  
هم مخالفت کند من اورانست بیک کسی که میگویند  
او هرج و مر جریانی دلیل ولی را نسبت باین آدم  
شریف میدانم، همچو دولتی متأسفانه تا بحال بیدا  
نگردد ایم « تهران بیزد، جناب آقای فاضلی نگران  
میفرمایند باید کلید در دست شما باشد » ( اقبال -  
کلید یعنی چه ؟ ) کلید گنج قارون ...  
رویس - سؤالاتن را موقوف کنید.

فراهرزی - « باید کلید در دست شما باشد  
و با این وضعیت اگر سه: انگاری شود مسئولیت  
 فقط متوجه یزد بوده « یعنی تهران کار خودش را  
کرده کاندید را معین کرده است، بازرسی مطابق  
میل ایشان فرستاده، اندارم قشون و یاسان هرچه  
بخواهید میدهد اگر چنانچه شما با خبیده دیگر مشویت  
متوجه یزد است معلوم میشود که آنجا شما کار تاثر از  
خوب انجام نداده اید، مسئولیت فقط متوجه یزد خواهد  
بود « جناب زاده هم آمد نوازش فرمائید برای  
جناب عالی ضرر ندارد و نسبت بساير فقرات مشغول  
اقدام نتیجه بعده اهل و وضعیت مشروط خواهد  
دور دست بیوس فاضلی « تهران جناب آقای  
آرامش، بلا جواب گذاردن تلکراف فوری « ادی  
در بنده تولید نگرانی نموده نیکو را دیروز روانه  
تهران نمود از منزل جناب آقای موسوی زاده نام.  
برده راه احضار مطالعه را حضوراً عرض نموده هر قسم  
دستور میفرمایند عمل میشود، مرافت فراریان یزد  
باشید، چون یک مده ایرا تبعید کرده بودند یک  
مده ای هم مهاجرت کرده بودند با آنچه آرامش که  
در آن موقع وزیر بود البته تلکراف ردنده که  
برای فراریان یزد باشد که از تهران هم در نزونه

شماره ۱۹۴۶۱ - ۱۴۲۶ - ۸ - ۱۹

\*\*\*

آقای محمد دادور رئیس اداره ایلات از تاریخ  
اول آذرماه ۳۲۶ بست فرماندار اراک منتقل شدند

شماره ۱۰۵۹۱ - ۲۳۷۲۷ - ۲۶ - ۸ - ۱۱

آقای ماشاء الله اوحدی سردفتر  
اسناد رسمنی ادرجہ سوم و ازدواج  
و طلاق فرآهن

بموجب این ابلاغ مجل رسمیت دفاتر شا  
شهر اراک تبدیل میشود و کفالت درجه دوم واجازه  
نت معاملات ملکی هم بشما داده میشود طبق مقررات  
مشغول انجام وظیفه شوید.

وزیر دادگستری

شماره ۱۱۰۵۶ - ۲۲۷۸۱ - ۲۶ - ۸ - ۲۰

آقای عبدالهادی طباطبائی سردفتر  
اسناد رسمنی شماره ۷۳ تبران

چون بوج دادنامه قطعی مورخ ۲۶-۵-۲۲  
دادگاه بدی انتظامی سر دفتران نتیجه رسید کی به  
تلخفات شما منتهی بمحکومیت مندرج در شق دواز  
ماده ۴ قانون دفتر اسناد رسمنی (توییخ بادرج در روزنامه  
رسمی) گردیده لذا اداره کل ثبت بدهی و سپه مفاد  
دادنامه مذبور را در مورد شما اجراء مینماید.  
مدیر کل ثبت

شماره ۱۱۰۳۵ - ۲۴۷۸۳ - ۲۶ - ۸ - ۲۰

آقای وجیه الله شجاعی سردفتر  
اسناد رسمنی شماره ۹ نهادند

چون بوج دادنامه قطعی مورخ ۲۶-۷-۷  
دادگاه بدی انتظامی سر دفتران نتیجه رسید کی  
بتخلفات شما منتهی بمحکومیت مندرج در شق دو از  
ماده ۴ قانون دفتر اسناد رسمنی (توییخ با درج در  
روزنامه رسمنی) گردیده لذا اداره کل ثبت بدهی و سپه  
مفاد دادنامه مذبور را در مورد شما اجراء مینماید.  
مدیر کل ثبت

شماره ۲۴۲۱۸ - ۲۴۰۸۲ - ۳۲۶ - ۸ - ۶

بخشنامه

لارستان وسا از نظر حوزه بنده قضائی تابع  
دادگاه شهرستان چهرم می باشد  
بعای وزیر دادگستری ۴۶۷۳

\*\*\*

روز چهارشنبه ۲۰ آبان کمپسیون پست و تلگراف  
تشکیل گردید و هیئت رئیسه خود را از این فرار  
انتخاب نمود.

آقای افزار نیک بی رئیس

» حسین وکیل نایب رئیس  
» محمد دماوندی مخبر  
» شریف زاده منشی

سپس نیمساعت قبل از ظهر باحضور آقای وزیر  
پست و تلگراف لایحه دولت راجع بکمک بینگاه های  
خیریه و شیرخوار شد سرخ بوسیله اضافه کردن تعریف  
پست و تلگراف را مطرح نمود چون کمپسیون  
دارانی گزارش در این قسمت داده بود گزارش مذبور  
را باضافه بیک تبصره راجع بهزینه اداری تصویب و  
گزارش آنرا مجلس شورای ملی تقدیم نمود.

\*\*\*

روز پنجشنبه ۲۱ آبان ۲۶ دو ساعت قبل از  
ظهر کمپسیون کشاورزی بریاست آقای ظفری و  
باحضور آقای وزیر کشاورزی تشکیل و لایحه شماره  
۱۳۴۰۰ راجع بمعافیت ماشین های کشاورزی از  
موارد گیر کی مطرح و بالصلاحاتی تصویب و قرارش  
گزارش آن سجل داده شود.

\*\*\*

روز چهارشنبه ۲۰ مرداد ۲۶ دو قبل از ظهر  
کمپسیون محاسبات مجلس بریاست آقای سزاوار  
تشکیل و بودجه سال ۱۳۴۶ مجلس شورای ملی  
طرح شده پس توضیحاتی که از طرف آقای رئیس  
محاسبات داده شد و آقای مرآت اسنادیاری هم توضیحاتی  
یان نمودند قرارشده قبلاً موضوع بودجه در جلسه  
خصوصی مجلس مطرح و با جلب نظر آقایان بودجه  
مذبور تنظیم گردد.

## اصحابات و احکام

شماره ۱۹۷۷۶ - ۷۲۹۲۸ - ۲۶ - ۸ - ۱۹

### در وزارت گشور

آقای احمدعلی بنی آدم فرماندار اراک از تاریخ  
۱۱ آذرماه ۲۲۶ بست ریاست اداره ایلات منتقل  
شدند.

شماره ۱۹۷۰۱ - ۶۴۸۲۴ - ۲۶ - ۸ - ۱۹

\*\*\*

آقای رحیم ترکی بور شهردار اسکو از تاریخ  
۶ مهر ماه ۳۲۶ بست بخشدار سیه چنمه منتقل شدند  
شماره ۱۹۶۳ - ۷۱۷۶۵ - ۲۶ - ۸ - ۱۶

\*\*\*

آقای ضیاء دادر رئیس دفتر فرمانداری شاه آباد  
از تاریخ ۱۶ آبانماه ۳۲۶ بست بخشداری آبدانان  
منتقل شدند.

شماره ۱۹۴۶۹ - ۷۱۷۴۰ - ۳۲۶ - ۸ - ۱۶

\*\*\*

آقای غلامحسین سباح فرد بخشدار صحن از تاریخ  
اول آبانماه ۳۱ ۶ بست بخشداری در شهر منتقل شدند  
شماره ۱۹۴۶۸ - ۷۱۷۴۰ - ۳۲۶ - ۸ - ۱۶

\*\*\*

آقای بابا فتاح بور بخشدار دره شهر بست  
بخشدار صحن منتقل شدند.